ط

حبیب روحانی جناب آقا محمّد کریم ع‌ط علیه بهآء اللّه ملاحظه نمایند

۱۵۲[[1]](#footnote-1)۱

بسم ربّنا الأقدس الأعظم الأقدم العلیّ الأبهی

الحمد لمن نطق بعد تقدیسه عن اللّسان و علّم بعد تنزیهه عن البیان انّه لهو الّذی جعل القلم الأعلی مترجماً بین الوری و به اظهر ما اراد باسمه الّذی جعله سلطان الأسمآء فی ملکوت الانشآء سبحان من تفرّد بالعزّة و العظمة و توحّد بالقدرة و القوّه قد احاط سلطانه الملک و الملکوت و سبقت رحمته الجبروت و النّاسوت انّه لهو الّذی لا یوصف بالأسمآء و لا یذکر بالأذکار قد اقرّ کلّ قریب ببعده و اعترف کلّ عالم بجهله و شهد کلّ عاقل بغفلته قد سخّر الأشیآء بالکلمة الّتی لاحت و اشرقت من افق مشیّته و هدی الوری الی صراطه الّذی ما فاز به الّا عباد مکرمون له الحمد اذ هو مالک الغیب و الشّهود

و بعد قد بلغ الخادم کتابک الّذی ارسلته من قبل اخذت و فتحت و قرأت و وجدت منه عرف حبّک ربّنا و ربّ ما یری و ما لا یری و مالک الوری و سلطان الآخرة و الأولی و در وقتیکه مناسب بود تلقاء عرش عرض شد قوله تبارک و تعالی

هو الأقدس الأعظم المعلّم المعرّف البصیر السّمیع

یا ایّها المذکور تلقآء الوجه لا تحزن عمّا ورد علیک قد ورد علی مولیک اعظم عمّا ورد علی عباد اللّه المقرّبین المخلصین لعمر البهآء انّه یفتخر بالبلآء فی سبیل اللّه مالک الأسمآء ولکن النّاس یفرّون منه بخوف مبین قد زیّنّا الجسد بالبلآء و طرّزنا الرّوح بفرح لا یعادله فرح العالم کذلک نطق من کان مقدّساً عن کلّ ما ادرکه العالمون تمسّک بحبل الاصطبار امراً من لدن ربّک المختار و قل

یا الهی و مالک ناصیتی و محبوب فؤادی تری ما ورد علیّ فی ایّامک و تعلم ما انا علیه فی امرک اسئلک باسمک الّذی به جرت من الصّخرة انهار رحمتک و ظهر من البحار آثار عظمتک و من الأقنان ظهورات قدرتک بأن تجعلنی فیکلّ الأحوال مستقیماً علی امرک و متمسّکاً بحبل حبّک اشهد انّ هذا لیوم الّذی فیه ظهر الفزع الأکبر و برز کلّ امر مستتر فاغفر اللّهمّ کلّ حرکة ظهرت منّی بغیر ارادتک ثمّ وفّقنی علی ما ینبغی لأیّامک ثمّ اکتب لی بفضلک ما یحفظنی عن دونک ای ربّ فاجعلنی من الّذین هربوا عن الهوی الی السّدرة المنتهی و انقطعوا عن الوری باسمک الأعزّ الأقدس الأبهی انّک انت مالک العرش و الثّری و فی قبضتک ملکوت کلّشیء و انّک انت القدیر انتهی

تا حال نامه‌های متعدّده از آنجناب رسید الحمد للّه جمیع مشعر بر مراتب محبّت و مودّت و خلوص و قیام آنجناب بوده بر امر الهی از آنچه وارد شده محزون مباشید چه که هر نفسی الیوم بطراز محبّة اللّه مزیّن است فی‌الحقیقه بکلّ خیر فائز است جمیع عالم معادله نمینماید بکلمه‌ئی که از فم مشیّت الهی در بارهٴ دوستان ظاهر میشود و اینمقامات الیوم از انظار مستور است چه اگر کشف میشد و اهل عالم بر سرّ امر مطّلع میگشتند البتّه احدی توقّف نمینمود تا چه رسد باعراض و انکار

و اینکه از عدم ارسال جواب ذکر نمودید حقّ تعالی شأنه و تعالت عظمته شاهد و گواهست که این تأخیر از عدم محبّت نبوده و نخواهد بود بلکه از کثرت اشغال و تحریر این خادم فانی است از جمیع اشطار بمثابهٴ امطار عرایض و مکتوبات میرسد و اینعبد در اکثر اوقات تلقاء عرش بتحریر ما ینزل من سمآء مشیّة ربّنا الرّحمن مشغول است و هر هنگام که فرصت یافت شد بذکر دوستان توجّه مینماید از دل و نظر هیچیک محو نشده‌اید الحمد للّه تلقاء وجه مذکورید و بعنایت فائز ولکن جهد نمائید تا بامریکه لایق این ایّام است فائز شوید جمیع باید الیوم طائف حول بحر اعظم باشند و بکمال اتّحاد بکلمه ناطق باید آنجناب و دوستان الهی از تأخیر عرایض این فانی محزون نباشند چه که کلّ علّت تأخیر را دانسته و میدانند

اینکه در بارهٴ حضرت ورقهٴ کبری حضرت اخت روح ما سواها فداها نوشته بودید عرض شد و آنچه عمل نمودید مقبول افتاد نشکره فی بدایع فضله و عنایته

و اینکه در باب همشیره نوشته بودید تلقاء وجه عرض شد فرمودند چون موافق حکم کتاب نبود علّت زحمت و سبب محنت شد ولکن انشآءاللّه این زحمت و محنت را فضل حقّ اجر عنایت میفرماید ان اجتنبوا یا احبّائی عمّا نهیتم عنه فی الکتاب و تمسّکوا بما امرتم به انّ ربّکم الرّحمن لهو النّاصر البصیر انتهی آنجناب از این امریکه واقع شد مکدّر نباشند چه که بطراز عفو فائز شد انّه لهو الآمر العلیم الحکیم

و اینکه در بارهٴ صبیّهٴ جناب اصدق علیه بهآء اللّه نوشته بودید و مذکور داشتید که او ذکر نموده که این صدمات که بر تو و اهل خانه وارد میشود بسبب آنست که بمیل من رفتار نمیشود اینمراتب تلقاء وجه عرض شد فرمودند یا کریم انّ لعبدی الأصدق مقاماً عظیماً عند ربّک انّه ممّن فاز فی اوّل الأمر بعرفان اللّه المهیمن القیّوم انّا ذکرناه فی الکتب و الزّبر و نذکره فی ایّامی انّ ربّک لهو العطوف الغفور طوبی لمن آنس معه فی حیوته و زاره بعد مماته یشهد قلمی الأعلی انّه وجد عرفی و سرع بأمری الی شطری و قام علی هذا الأمر الّذی تزعزع منه کلّ بنیان مرصوص قد حضر لدی العرش بوجه منیر و کان ان یقوم لدی الباب فی اکثر الأیّام و یسمع ندآء اللّه ربّ العرش المرفوع البهآء علیه و علی من یزوره من لدی اللّه مالک الغیب و الشّهود ای کریم آنچه بر تو وارد شد بسبب آنچه ذکر نموده نبوده انّ ربّک لهو العلیم عنده علم کلّشیء فی کتاب کریم کبّر من قبلی علی وجهها و قل لک یا امتی ان تمشی علی اثر ابیک کذلک ینصحک قلمی الحکیم ای کریم مرحوم عطّار از سابقین بوده و بلقای الهی فائز گشته حقّ جلّ و عزّ احترام او را منظور داشته و میدارد اگر بآنچه مقصود او بوده عمل میشد این کدورات دست نمیداد کذلک یخبرک من عنده علم ما کان و ما یکون انشآءاللّه بکمال روح و ریحان و با محبّت تمام در ظلّ عنایت الهی مستریح باشید انّه یسمع و یری و انّه لهو السّمّاع البصّار

جناب اسم جمال علیه بهآء اللّه ذکر مرفوع فتح‌اللّه را نموده بود لعمری انّا کنّا معه اذ کان مرتقیاً بمرقاة الفضل و طائراً فی هوآء رحمة ربّه العزیز الکریم انّا نذکره فی هذا المقام فضلاً من عندنا لتکون من الشّاکرین انّه صعد بجناحین المحبّة و الایقان الی افق الرّحمن و فاز بمقام قرّت به عینه و اعین النّاظرین یا فتح‌اللّه انت الّذی کنت مذکوراً فی حیوتک لدی العرش و یذکرک بعد ارتقائک قلمی الأعلی الّذی فصّل منه کلّ امر حکیم هذا ذکر لا یعادله شیء انّ ربّک لهو الغفور الکریم کذلک زیّنّا رأسک باکلیل الغفران من لدن ربّک الرّحمن انّه یذکر من اراد بأمر من عنده انّه لهو الذّاکر العلیم انتهی فی‌الحقیقه از ارتقای ایشان حزن و اندوه قلب را احاطه نمود ولکن این در ظاهر امر ذکر میشود و در باطن از کدورات عالم فانی فارغ و برحمت ایزدی پیوست طوبی له و لأمثاله کدام فضل اعظم از اینست که لسان قدم باینکلمات عالیات در بارهٴ نفسی تکلّم فرماید صدهزار طوبی از برای او که باینمقام فائز شد جناب اخوی علیه بهآء اللّه و مخدّرهٴ امّ علیها بهآء اللّه را از جانب این خادم فانی تعزیت بگوئید و تسلّی بدهید انشآءاللّه اینعبد و جمیع دوستان بآنچه از دوست یکتا ظاهر راضی و شاکرند نقطهٴ بیان روح ما سواه فداه میفرماید جمیع عالم از برای آنست که نفسی بکلمهٴ رضا از بحر جود او فائز شود

اینکه در بارهٴ خواب نوشته بودید بسیار از خوابهای پریشانست که اثر آن در ظاهر جهت جمع است حسب الأمر آنکه اگر نوم پریشان دیده شود و هم و غم از آن احداث گردد این آیهٴ مبارکه را تلاوت نمایند یا من باسمک ماج بحر الفرح و هاج عرف السّرور اسئلک بأن ترینی من بدایع فضلک ما تقرّ به عینی و یفرح به قلبی انّک انت المعطی الکریم و در غیر رؤیای پریشانهم محبوبست که قرائت شود انتهی

این خادم فانی از حقّ مسئلت مینماید که آنجناب و متعلّقان را از شرّ ناعقین حفظ فرماید هذا من اعظم الدّعآء وربّ العرش و الثّری اینعبد بتحریر اینمکتوب مشغول که ندای تعال از مصدر کبریا ظاهر و بعد از توجّه و حضور فرمودند یا عبد الحاضر انّا نحبّ ان نذکر عبدنا الرّحیم الّذی فاز بأیّامی و حبّی و عرفانی طوبی له بما وفی بعهده و میثاقه و شرب رحیق الوحی من کأس عطآء ربّه الکریم ای رحیم انشآءاللّه بعنایت مخصوصهٴ الهی فائز باشی عرف محبّتت از قبل و بعد استشمام شد انشآءاللّه بحفظ اینمقام اعظم فائز گردی چه که شیاطین در مراصد مترصّدند کذلک اخبرکم لسان الوحی من قبل کن قائماً علی ذکر اللّه و خدمته علی شأن لا تمنعک الأوهام و لا ظنون الّذین کفروا باللّه العلیّ العظیم بحبل عنایت متمسّک باش و بذیل کرم متشبّث دنیا در مرور بوده و هست لا تحزن عمّا فات عنک ان افرح بذکری الجمیل و قل لک الحمد یا من ذکرتنی فی سجنک و ارسلت الیّ ما قرّت به عیون العارفین الحمد للّه ربّ العالمین انتهی از قول این خادم فانی هم بایشان تکبیر بلیغ منیع برسانید و همچنین جمیع دوستان را در آن ارض البهآء علیکم و علیهم و علی عباد اللّه الموقنین الثّابتین الرّاسخین

خ‌ادم

فی ٢٨ ذی‌قعده سنة ١٢٩٧

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۴ اوت ۲۰۲٣، ساعت ۰۰:۱۱ قبل از ظهر

1. ۱ ارقام ٢ و ۵ و ١ بر طبق حساب ابجد بترتیب معادل عددی حروف ”ب“ و ”ه“ و ”الف“ است که مجموع آنها کلمه ”بها“ را تشکيل ميدهد. [↑](#footnote-ref-1)